

مذاکرات مجلس

شماره پنجاه و پنج

جلسه ۱۹

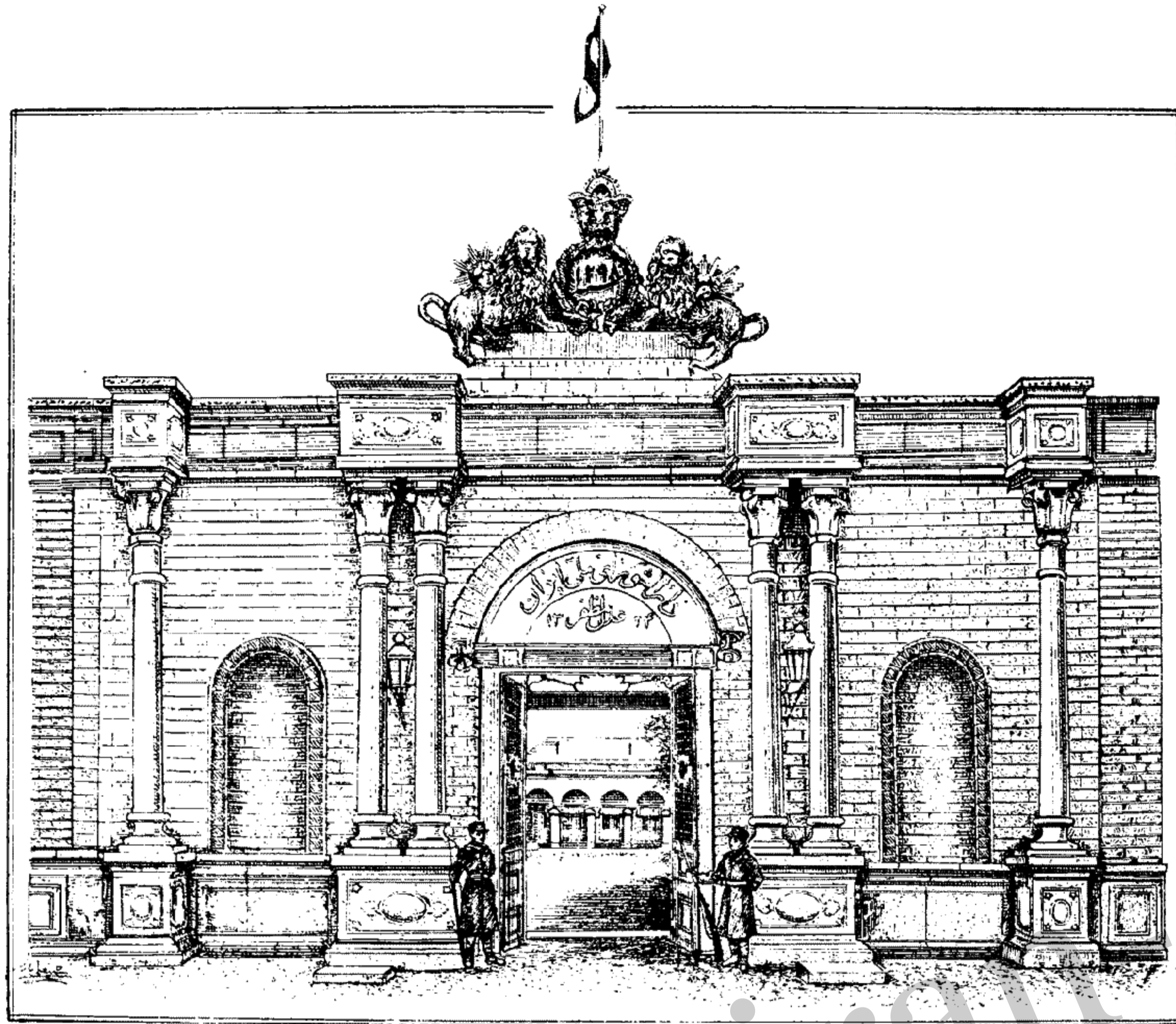
قیمه اشتراك
داخله ايران سالبانه ده تومان
خارجه دو ازده تومان
قیمه تيك شماره
يك قران

مندرجات
فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی
خواهد بود
پس از ختم هر جلسه کليه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.
مطبعه مجلس

تاریخ تاسیس آذر
۱۳۰۵
جلسه سه شنبه ۲۹
فروردین ماه ۱۳۰۶
مطابق ۱۶ شوال المکرم
۱۳۴۵

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره در اطراف پیشنهاد آقای کازرونی و آقا سید یعقوب راجع با انتخابات سیرجان	۱۰۶۶	۱۰۷۴
۲	مذاکره نسبت بخرکیسبون بودجه راجع باعتبار سنه ۱۳۰۶ راه آهن	۱۰۷۴	۱۰۸۷



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ شوال المکرم ۱۳۴۵

جلسه ۱۹

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر ریاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یکشنبه بیست و هفتم فروردین
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : میرزا حسین خان موقر - دشتی - سید ابراهیم
 ضیاء - حشمتی - محمد آخوند - عطاء الله خان پالیزی - میرزا
 ابراهیم خان قوام - عباس میرزا - نوبخت - طباطبائی و کیلی

غائبین بی اجازه

آقایان: علی خزن اعظمی - محمد تقیخان اسعد - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه: آقایان: سید جواد محقق -

روحی - میرزا محمد تقی بهار

دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: مرتضی قلیخان بیات
حاج میرزا حبیب الله امین - آقا سید کاظم یزدی -
حق نویس .

رئیس - صورت مجلس معارضی دارد یا نه؟ آقای
حق نویس

حق نویس - بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه
نوشته اند در صورتیکه بنده سر موقع آمدم

رئیس - از کمیسیون تحقیق میشود و بعد اصلاح
میشود. دیگر ایزادی ندارد

(گفته شد خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

بعضی از نمایندگان - دستور .

رئیس - مطالبی که جزء دستور است اولاً انتخابات
سیرجان است. پیشنهادی رسیده است قرائت میشود
و مذاکرانی که باید بشود میشود بعد رأی میگیریم.
(پیشنهاد مذکور بشرح ذیل خوانده شد)

نظر باینکه شعبه ششم برخلاف نظریه انجمن
نظار سیرجان راجع به انتخابات آن نقطه راپورتی تهیه
کرده و مجلس شورای ملی آن راپورت را رد نموده و
بالتجربه نظریه انجمن نظار تأیید شده است لهذا
امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم که به نمایندگی
آقای بدر رأی گرفته شود. یعقوب الموسوی. کازرونی
رئیس - مذاکرات در زمینه این پیشنهاد است.

آقای حائری زاده

آقا سید یعقوب - در پیشنهاد نباید توضیح داده شود؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم عیبی ندارد و البته در زندگانی
پارلمانی جایزه هم هست که گاهی مبارزات و مبارزاتی
روی اشخاص بشود ولی باید اعتراف کرد که اینها از
حیث رتبه مؤخر است و کارهایی که در مملکت مقدمه
است کارهای اقتصادی. کارهای عظیم و جسام است و ما
نباید وارد شخصیات بشویم. عرض میکنم این قضیه
معلق است و باید تکلیفش هم معلوم شود ولی در يك
وقتی که فراغ باشد. حالا لایحه راه آهن معطل است
و مملکت هم منتظر است و دولت هم مهیا است و بالاخره
کارش فراهم است. خوب است ما لاقول شخصیت را
در درجه دوم بگذاریم مقدمتاً کارهای لازمه را بگذاریم
بعد اینها را.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده با آقای دادگر خیلی صمیمی هستم ولی
توجه فرمودند که آقای حائری زاده اگر مطابق فرمایشات ایشان
وارد شخصیات نمیشدند بنده هم بروح سالم و سلامتی که دارم
عرض نمیکنم و خیلی هم دلتنگ میشوم که بین بنده
و شما در يك چیزهایی يك تکدری پیدا شود. اما آقای
دادگر: توجه فرمائید بعد از آنکه هم فرا کمیون محترم
شما تشریف بردند آنجا و آنکه فرمودند من وارد
شخصیات نمیشوم وارد شخصیات شدند خوب است شما
رعایت حال بنده را هم فرمائید که پیشنهاد کرده ام که
فرمایشات ایشان را با کمال نزاکت و کمال ادب جواب عرض
کنم. این حقیقتاً به بنده بر میخورد. بنده يك خلاف
نظامنامه نکردم. خلاف قانونی نکردم. خلاف ترتیب و

سابقه نکردم. مسئله این بود که روز قبل تعیین شده
بود یعنی مقام ریاست تذکر دادند که يك پیشنهادی
بشود بعد در زمینه آن صحبت شود. بنده خلافی نکردم
مطابق آنچه که در مجلس صحبت شد بنده پیشنهاد کردم
بعد هم حضرت آقای حائری زاده تشریف بردند و خودتان
ملفت بودید يك خلافی کردند و بنده در دوستی و برادری

جای او بیاید به مجلس. حالا ما میخواهیم وارد شویم
به صورت این انتخابات. کاظمی و بدر در آنجا کاندیدا
بوده اند آقای کاظمی بر میدارد در کتابچه خودش مینویسد
به دوسیه ها نگاه کنید که در قزوین محبوس بوده ام
يك مشت رأی در کرمان داشتم ام يك عده پارتی
داشته ام و به من رأی داده اند حالا در اقلیت بوده ام ولی
در دوسیه انتخابات کرمان در این چند دوره نگاه کنید ببینید
آقای بدر يك رأی هم در حوزه های انتخابیه کرمان نداشته است
وقتی که ایشان وزیر شده اند از مقام وزارت استفاده
و کالتی کرده اند. اگر اخلاقاً و انصافاً ما اجازه بدهیم
که از کرسی های مهم مملکتی آقایان استفاده کنند و
حقوق رعیت را زیر پا بگذارند منتهای بی انصافی را
کرده ایم. این از نقطه نظر اصول. اما از نقطه نظر
عمل. تا بحال که در مجلس منحصر به يك اعتبار نامه
نبوده هر دوره صد و بیست صد و سی اعتبار نامه مطرح
شده و در هر دوره هم چند اعتبار نامه رد شده است
نابیندی آن اشخاصی که رد شده است کدام یکی از
آنها در پیش آمده گفته که بنده هم هستم در باره
من هم رأی بگیرد؟ غیر از این دوسیه کشیفی
که همه می دانیم در تحت عنوان وزارت خواسته
اند مقام و کالت را به حقه بازی اشغال کنند
و نشده است. بعقیده بنده این کار خیلی بد است و در چنین
رأیی هم بنده شرکت نمیکنم اگر آقایان میخواهند
پیشنهادشان را پس بگیرند و لا بنده که شرکت نمیکنم و
خدا حافظ میکنم.

دادگر - بنده پیشنهادی در دستور کرده ام.

رئیس - پیشنهاد شما بعد از آنکه آقای حائری زاده
آمده بودند پشت تریبون رسید حالا قرائت میشود و
رأی میگیریم.

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم لایحه راه آهن در دستور
مقدم باشد.

رئیس - اگر میخواهید توضیح بدهید حال پیشنهاد
را پیدا خواهد کرد و مذاکرات مختصر میشود و اگر
بخواهید مذاکرات مفصل بشود باید بترتیب موافق و
مخالف صحبت شود

کازرونی - اگر اجازه بفرمائید بنده توضیح بدهم
رئیس - میخواهید توضیح بدهید بفرمائید.

کازرونی - فعلاً عرضی ندارم.

زوار - این پیشنهاد مطابق کدام ماده نظامنامه است؟
رئیس - آقای زوار چه فرمودید؟

زوار - عرض کردم ممکن است بفرمائید این
پیشنهادی که ایشان کرده اند مطابق کدام
ماده نظامنامه است؟

رئیس - پیشنهاد هائی که میشود مگر مواد میخواهد.

آقای حائری زاده

حائری زاده - قضایای اصولی کم کم صورت شخصی
را به خود میگیرد و بنده هم خیلی احتیاز دارم که
وقتی جنبه شخصی پیدا کرد وارد شوم اولاً این پیشنهاد
چه صورتی دارد همان شکلی که آقای زوار گفتند بنده
نفهمیدم این به چه عنوان مطرح میشود. طرح قانونی
است یا زده نفر از وکلاء امضاء کرده اند و رفته
است به کمیسیون مبتکرات و قابل توجه شده و در اطراف
آن موضوع صحبت است؟ لایحه دولت است؟ پیشنهادی
است که در اطراف يك خبر کمیسیون شده است؟ اصلاً
این چه صورتی دارد که آقای رئیس آنرا مطرح فرمودند
بنده هر چه فکر کردم که مطابق کدام يك از مواد
نظامنامه است نفهمیدم. حالا این مانند. انتخاباتی در
یکی از نقاط به جریان افتاده مثل سایر نقاط مملکت
بدهی است در هر نقطه هم يك عده زیادی داوطلب
هستند. یکی از آنها بیشتر رأی دارد بعنوان وکالت
خودش را معرفی میکند. یکی کمتر دارد منتظر است يك
سوسه یا يك خرابی در کار آنکه بیشتر دارد بکند و به

که شما دارم و در این مدت عمومی که شما بودم تقاضا میکنم مساعدت کنید که بنده جواب فرمایشات آقای حائری زاده را بدهم ممکن است بعد بنده هم با پیشنهاد شما موافقت کنم. تقاضا میکنم برای اینکه رفع اشتباه بشود آقای دادگر پیشنهاد خودشان را تاخیر بیندازند که بنده جواب عرض کنم والا از اینجمله بنده پیشنهاد شما مخالف هستم.

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دادگر آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.
(معدودی برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد. آقای مدرس

مدرس -- البته بعضی مطالب هست که در حقیقت نظری است. بدیهی و واضح نیست که انسان بتواند قطعاً بگوید مطابق مواد قانون یا مطابق نظامنامه است محل نظر است. بنده عقیده ام این است که این مسئله هم که اتفاق افتاده نظری است یعنی باید در مجلس مذاکره شود و نظریات آقایان گفته شود و قضیه حل شود (کار به این دو شخص بزرگوار ندارم یک در شخص دیگری در دوره های آتی). مناسب است در مجلس مذاکره بشود و این مسئله نظری حل شود که در آتی هم اگر اتفاق بیفتد سهل باشد. و اما اینکه نظری است البته همانطور که فرمودند خیلی اعتبار نامحارده شده است و نالی آن هم کسی نیامده است که مدعی بشود یا در مجلس اظهار بکنند. واقعا اینطور بوده است. خیلی ها رد شده اند نالی آنهم نیامده است اظهار بکنند. مجلس هم اظهاری نکرده است ولی بنده تصور میکنم این قسمی که این اتفاق افتاده است با آنهایی که سابقاً اتفاق افتاده است فرق دارد. شعبه محترم در صحت جریان انتخابات آنجا اظهار و فرمایشی نکرده بود یعنی ما که اهل شعبه نبودیم اینهایی که آقایان اینجا نقل کردند یک عیبی در صحت جریان انتخابات سیرجان نبود که بگوئیم صحت جریان عیب دارد. البته اگر وکیل بواسطه عیب در صحت

جریان رد شد نوبت به نالی و نالی و نالی هم هرگز نمی رسد بجهت اینکه جریان انتخابات وقتی معیوب شده هر کس رأی دارد معیوب است ولی بیانی که اینجا شد صحت جریان را اشکال فرمودند و اگر هم بوده است شعبه برای ما فرمودند و آن چیزی را هم که چاپ کرده بودند بنده عیبی در صحت جریان ندیدم. اشکالی که بیان فرمودند در تشخیص دارای اکثریت فلان است و مجلس او را رد کرده است حالا نتیجه چه میشود؟ نتیجه این میشود که انتخابات صحت جریان داشته است. اینها هم که شعبه تشخیص داد اکثریت مجلس این تشخیص را قبول نکرد حالا دیگری را با این است که بگوئیم اصلا این شخص وکیل نیست چرا بگوئیم؟ همه به اتفاق بگوئیم وکیل است؟ اینهم بنظر من قدری مشکل است که بدون رأی مجلس یک کسی را بگوئیم وکیل است. بعضی آقایان فرمودند رأی ضمنی است. رأی ضمنی تا حالا نبوده است ممکن است رأی ضمنی باشد اما تا حالا با رأی ضمنی اینجا یک وکیل درست نکرده بودیم. حالا هم اگر بخواهیم درست بکنیم ممکن است. برهائی بر خلافش نیست. لکن تا حالا نبوده است. پس باینجهت عرض میکنم مسئله نظری است باید مجلس تشخیص بدهد که این رأی ضمنی کافی است یا باید مجدداً به این اعتبار نامه رأی بگیریم یا یک نظر دیگری اتخاذ کنند. بهرجهت بنحو مطلق نباید گفته شود این که رد شده است نالی هم رد شده نالی نالی هم رد شده است زیرا انتخابات صحت جریان داشته. شعبه تشخیص اکثریت را در یکی داده است و مجلس آنرا قبول نکرده است. انتخابات که صحیح بوده. این را هم که شعبه تشخیص اکثریت داد رد شد چرا یک کسی که بهلویش است وکیل نباشد دلیل میخواهد. چرا باشد؟ بی گفتگو اینهم به عقیده من خالی از شبهه نیست که بدون گفتگو بگوئیم با رأی ضمنی نالی وکیل است. پس بعقیده من مطرح کردن این مورد بوده است. مسئله هم نظری است و باید معلوم شود که آیا این رأی ضمنی کافی است؟ یا یک

رأی مستقیمی میخواهد؟ یا یک طریق دیگری درش اتخاذ کنند؟ پس یک چیز برآئی بیخودی که بیخود مذاکره نکنیم نیست. مسئله نظری است و بعقیده من فکر آقایان را خواست استماع کنیم و هر کس هم نظری دارد بفرماید شاید یک طریق حل واضحی پیدا کنیم.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- البته بنده دید اصولاً نسبت به یک قسمتی از نظریات نطق محترم موافقت کنم و آن عبارت از این است که در مسائل نظری باید مباحثه بعمل بیاید و در نتیجه مباحثه فصل بشود. بنظر بنده ممکن است اگر مجلس سیر مرحله اولیه خودش را میکرد یعنی در ایران این قبیل مسائل سابقه نداشت باید مسائل نظری تلقی بشود. لکن ممکن است در یک جریانانی حتی در محاکم وقتی که یک قضایائی مطابق یک ترتیب و اصولی جریان خاصی بخود گرفت و عقاید مختلفی و تصمیمات متعدده تأیید کرد که بعد این مسئله اینطور باشد آنوقت نمیتوان گفت که آن موضوع موضوع نظری است. بنظر بنده در موضوع مانحن فیه سوالاتی که در مجلس هست و کاملاً منطبق با این موضوع هست میرساند که در این قضایا مجلس یک تصمیمات سابقه دارد که در نتیجه باید لازم العمل باشد و باید احتراز کرد از اینکه در یک امری که مربوط است به اصول حکومت شوری و ممکن است مستلزم تماس و مخالفت هائی به اصول واقع بشود سابقه های متفاوت و متعارضی موجود بشود. حضرت آقای مدرس فرمودند که اگر در یک انتخاباتی در نتیجه مخالفت و موافقت در صحت یا عدم صحت انتخاب ...

مدرس -- جریان.

شریعت زاده -- جریان یک انتخاباتی رأی داده شود در آن صورت ممکنست ما آنرا بدیهی تلقی کنیم که بایستی تجدید بشود و فرمودند که در این موضوع نسبت به صحت جریان یا عدم صحتش رأی داده نشده. بنده

معتقد هستم که شعبه در نتیجه رجوع بمجموع جریانات تشخیص داده است که این انتخاب سیرجان و قضاع و فشار صحیح است و نتیجه آن انتخاب نایبندگی آقای کاظمی است. مجلس این را رد کرده. اگر بخوایم تفکیک کنیم جهت و خصوصیات آن در یک مجموع موضوعی است و مدعی شویم که نظر مجلس منحصر بشود بدین قسمت داشت این یک دعوائی است و بد نظر بنده اینطور نیست بلکه برعکس میتوان صور دیگر استدلال کرد و آن این است که اگر مجلس از نقطه نظر عدم صحت انتخابات قضاع و فشار چنین رأی داده باشد باید از آنطرف معتقد شویم که این رأی لا قیل باید مستلزم عقده بد لزوم تجدید انتخاب در آن نقطه باشد زیرا که مجلس رأی نداده است که مواد استنادیه هیئت نظر رجم بسقوط حق انتخاب از اهالی قضاع و فشار صحیح است. بنظر بنده در این موضوع یک جریانات دیگری که خود آقای مدرس تصدیق خواهند فرمود (و بنده هم از حسن عقیده ایشان و معصومیت عالی ایشان همین توقع را دارم) که مجلس از نقطه نظر صحت تشخیص انجمن نظر رأی بسقوط حق انتخاب اهالی قضاع و فشار نداده است تا اینکه حق آنها ساقط بشود و نتیجه آراء بعدی مداخلت داشته باشد که نسبت به رأی گرفته شود و اساساً از همین نقطه نظر است که در جریانات نتیجه گرفته میشود باینکه انتخابات باید تجدید شود و این مناسب است که اگر مجلس نسبت به یک کسی رأی بدهد باینکه این نمایندگان صحیح نیست نمیتوان تفسیر کرد که این رأی از نقطه نظر این است که این آدم آراش صحیح نیست و پشت سرش صحیح است. و در اینجا هر قدر بنده فکر میکنم که دلایل باشد که تأیید بکنند نظر نطق محترم را راجع باینکه باید بخصوص آقای بدر رأی گرفته شود دلیلی وجود ندارد و بنظر بنده هیچکس هم نمیتواند که در نتیجه تجسس دلیلی که لزوم تأیید این عقیده را برساند یعنی رأی گرفتن در مجلس برای

شخص نالی نه سوابق مجلس ونه در قانون انتخابات ونه در قوانین دیگر چیزی نمیتواند پیدا کند. اما اینکه فرمودند این موضوع ناموضوعات دیگر فرق دارد. بنظر بنده این موضوع ناموضوع انتخابات خوی در تمام خصوصیات منطبق است. چرا؟ برای اینکه انجمن نظار خوی در نتیجه رسیدگی های خودش آراء ما کورا بطل دانسته است و نظر به بطلان آن تشخیص داده است که امین الاسلام وکیل است منتها در تحت تأثیراتی نگذاشتند امین الاسلام بیاید مجلس. شعبه آمد رسیدگی کرد و بالاخره رأی داد که اشکال آراء ما کو صحیح نیست.

آقا میرزا هاشم آشتیانی - اعتبار نامه نداشت.

شریعت زاده - اجازه بفرمائید آقا. حالا به موضوع اعتبار نامه هم میرویم. مجلس رأی داد و نمایندگی آقای امیر همایون را رد کرد. آن هیچکس هیچ صحبتی هیچ مذاکره کرده است که باید امین الاسلام دعوت بشود یا راجع نمایندگی او رأی گرفته شود خبر. چرا برای اینکه در مجلس سوابقی شبیه بین بوده است و کسی نمیتوانست اینکار را بکند. ولی این موضوع بنظر بنده يك جنبه فوق العاده گي پیدا کرده است. جنبه فوق العاده گي همیشه در جنبه فوق العاده گي جنبه منطق و استدلال و حق و عدالت تقریباً مخفی میشود. و تصور نمیکم که در این موضوع بیش از این مقتضی باشد که بنده اشاره کنم در هر صورت این مطالب از تمام جهات منطبق با آن موضوع است و چون آن موضوع آنطور شد در این باب هم نمیشود نسبت بنمایندگی شخص نالی رأی گرفت و لااقل باید تصدیق کرد که اهالی اقطاع و افشار که بیش از صد هزار نفر هستند حق انتخابشان را ما نمیتوانیم زایل کنیم و لااقل بایستی انتخاب آنجا تجدید بشود. چون معلوم نیست که اگر آراء آنجا تجدید بشود آقای بدر اکثریت پیدا کند و بنظر بنده اگر آقای کاظمی نباشد یکنفر اهل محل خواهد شد، اهل محل که حفا صلاحیت اینکار را داشته باشد نه يك کسی

که تحصیل شده باشد و تعجب میکنم از آن آقایانی که با اینکه متظاهر شده اند باینکه طرفدار انتخاب اهل محل هستند در این مورد بخصوص نمیدانم چه عامل مؤثری بوده است که برعکس يك توضیحاتی که مخالف با اعتقادات سابقه آنها است شنیده میشود. اما قسمت اعتبار نامه گاهی از اوقات اتفاق میافتد که در مجلس يك مسائل غیر مؤثری در يك مواقع خاصی اهمیت پیدا میکند و بنظر بنده اعتبار نامه تقریباً جواز ورود در يك نقطه است و صلاحیت قطعی کسی که آن را دارد در وقتی مسلم می شود که مجلس نسبت باصل انتخاب رأی بدهد بنابر این اگر يك فردی يك اعتبار نامه داشته باشد و در نتیجه رسیدگی شعبه معلوم شود که صدور آن بی مورد بوده است آنوقت این اعتبار نامه کان لم یکن است و رأی شعبه بمنزله اعتبار نامه است که بشخص دیگر داده میشود و وقتی که آن اعتبار نامه رد شده است دیگر موضوعی برای رأی گرفتن بشخص نالی نیست. و این موضوعی را که بنده عرض میکنم هیچگونه تعارضی بین توضیح بنده با هیچيك از مواد و اصول مقرر در قانون انتخابات وجود ندارد. در دوره گذشته وکلای خراسان هیچکدام اعتبار نامه نداشتند.

افسر - مشهد.

شریعت زاده - ببخشید. مشهد. در همین دوره آقای وزیری اعتبار نامه نداشتند خود آقایان نمایندگان طهران هم نداشتند. پس اگر یکی از اینها رد میشد بایستی استدلال کرد که چون اعتبار نامه داده نشده است این مستلزم این است که به نالی رأی گرفته شود؟ خیر. اگر یکی رد بشود به نالی نمیتوان رجوع کرد. چنانکه عرض کردم خود آقای مدرس هم اعتبار نامه نداشتند و هیچيك از وکلای طهران هم نداشتند و اگر فرض می شد که اتفاقاً یکی از اینها بجهتی از جهات رد می شد بنابر این استدلال آقای آشتیانی میبایستی بشخص نالی آن رأی گرفته شود در صورتیکه اینطور

نیست. در هر صورت در قضاوت در مجموع انتخابات استدعا میکنم توجه بفرمائید. چون کسی میتواند نماینده سیرجان باشد که در تمام حوزه های فرعی آنجا از طرف اهالی که حق قانونی برای اظهار رأی داشته باشند در انتخاب اظهار رأی شده باشد و نظر باینکه موجبات بطلان آراء اهالی اقطاع و افشار از طرف مجلس تصدیق نشده است بلکه برعکس مسلم و واضح شده است که تصمیم انجمن باطلان رأی آنجا به مستند ماده ۳۶ و ۳۷ صحیح نبوده است. قدر مسلم این است که اهالی آنجا در اظهار رأی و حق بری اجرای حق حق کسی حقوقشان باید مراعات بشود. و در اینصورت و فرض باید گفته شود هیچکس نمیندازد نیست و نمایندگی رجوع بآن کسی خواهد بود که بعد از تجدید انتخاب در اقطاع و افشار حائز اکثریت باشد. و بنا بر این بنظر بنده هیچ موجبی ندارد که آقایان در این باب اصرار بکنند بلکه اصرار مستلزم این است که شخص تصدیق کند که نظری را که آقایان در این باب اظهار میکنند قضاوت مطابق اصول و موازین قانون نیست. و اگر این نباشد قطعاً تصدیق خواهند کرد که باید هیچ مذاکره در این باب نشود و امر بشود که انتخاب آنجا باید تجدید بشود.

یکنفر از نمایندگان - نمیشود.

شریعت زاده - البته بنظر شما نمیشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده سابقه به پیشنهادی که آقای دادگر کردند نداشتم و الا پیشنهاد نمیکرده برای خاطر اینکه حقیقه وارد بشوم در کار مملکت ولی مسوق نبودم و باعتبار سابقه و آن صحبتی که روز قبل در مجلس شد و خواستند خانم بدهند این بود که این پیشنهاد را کردیم نه اینکه اگر نخواهیم داخل در این موضوع بشوم مثل این است که نخواهیم کار مملکت را عقب بیندازیم. (استدعا میکنم آقای شریعت زاده

توجه بفرمائید) باینکه بنده ایشان را یکی از حقوق دانها میدانم و یکی از قضات تصور میکنم که شاید انشاء الله بعد از این هم در عدلیه مقام قضاوت را حائز شوند ولی باین عقیده که بنده ایشان دارم يك فرمایشی فرمودند که بعقیده من مطابق واقع نبود. برروز در اینجا بیاناتی فرمودند باینکه ایشان (عرض کرده) يك شخص اصولی و قوانینی هستند و تمام فرمایشاتش از روی قانون است و خودشان از قوانین موضوعه این مملکت کاملاً اطلاع دارند در هیچ جای قوانین رأی مفتش در مداخلت نداشته است اینجا میباید در پشت کرسی خطبه روی مفتش را در انتخاب مداخلت مینهند. در صورتیکه اگر مداخلت داشته باشد برای اداره وزارت دخالت است نه برای شما. در صورتیکه آقای شریعت زاده در این باب خودشان فرمودند که وزارت داخله از جهت مأموریت خودش دخالت مفتش روا نمیکند. بنظر بنده که بعضی بقوه مقننه وقت مجلس و قضاوت شعبه ندارد. مملکت وزارت داخله برای اطلاع و عدم شدن دچار شد يك عملیاتی بکند ولی او قوه مجریه است هیچ دخالی ندارد. این برای اطلاع وزارت داخله است. و او يك تکالیفی دارد لکن کار او ربطی ما ندارد. برروز اینجا بیاناتی فرمودند و فرمودند که راجع مفتش اهمیت دارد. خود آقای شریعت زاده که بنده معتقد هستم شخص قانون دان و دارای قوه قضاوت و فاضل بین حق و باطل هستند زیرا که در کمیسیون عدلیه غالباً در خدمتشان بوده نظریات صائبه از ایشان دیده ام در این موضوع هم خودشان تصدیق خواهند فرمود که شعبه محترمه (حالا به ایشان جسارت نمیکم) بجزیاتی که در مجلس بوده است عمل نکرده است. آن ترتیبی را که نظامنامه بدست ما داده که دوسیه انتخاب که آمد باید شعبه وارد شود در نظریات انجمن نظارت و بیند عملیات انجمن نظارت مطابق با قانون واقع شده است یا خیر. شعبه محترم اینکار را

در دوره چهارم آقای سلطان محمدخان و مشیر معظم و معتمد السلطنه و اینها رد شدند مجلس نگفت بعد از آنها کیست: این هیچ تطبیق با آنها نمیشود. يك مسئله بیک حل عصبانی که بنده خودم میدانم چه حال عصبانی بود مجلس يك عده را بعنوان اینکه خلاف حکومت ملی است رد کرد. دیگر انجمن مرکزی و وزارت داخله نیامده بودند يك نفر را معرفی به مجلس بکنند و بیاید در مجلس بنشیند.

فسر - پس چه شده بود؟

آقایید بعقوب - آقای فسر شما شیخ الوکلا هستید و شما در این مجلس هستید گمان میکنم باین سابقه که در مجلس دارید هیچوقت ترتیبات را از دست نمیدهید.

شیروانی - جوانتر از شما هستند.

آقایید بعقوب - من و شما گمان میکنم برایشان سفید شده باشد این ترتیبات را باید مراعات کنیم. پس در دوره چهارم اینطور نبود که سلطان محمدخان با کسی دیگر آمده باشد در مجلس و انجمن مرکزی و وزارت داخله او را معرفی کرده باشد آنوقت شعبه بیاید سلطان محمدخان را اثبات کند بعد مجلس او را رد کند و آنوقت یکی سرچایش باشد اینطور که نبود آقایان همه بودند دیدند. همینطور راجع به معتمد السلطنه و مشیر معظم و دادگر. پس آن ربطی باین موضوع ندارد در همین دوره نسبت بهمین نماینده ما کو دو نفر در اینجا نیامد. آقای شریعت زاده که من خیلی معتقد هستم به حق قضاوت شما. وزارت داخله نیامد نظام الاسلام را معرفی کنند بعد اعتبارنامه باوردهد و بیاید در مجلس بنشیند بعد شعبه رأی بدهد بامیر همایون بعد مجلس بیاید امیر همایون را رد بکند. اینطور واقع شده است؟ شما قطع نظر از اینکه مقام نمایندگی دارید در عدلیه هم خیلی حفظ حقوق مردم را کرده اید. اینها هیچ مقایسه با هم نمیشود! اینجا انجمن مرکزی آمده است گفته است مطابق این جریان من آقای بدر را وکیل میدانم بعد اعتبار

نامه هم داده است و او آمده بوزارت داخله که مسئول انتخابات است وزارت داخله هم نوشته به مجلس که آقای بدر بموجب جریان قانونی که دارد وکیل است. بعد شعبه وارد شد در دوسیه ولی نظر باین مقدمات نکرد. انجمن مرکزی را گفت بی مرحمتی کرده و وزارت داخله هم بی مرحمتی کرده بعدرفته سروقت مفتش و گفته است که مفتش اینطور رایزرت داده و بعد مجلس قضاوت کرد و مطابق رأی شعبه رأی نداد رأی انجمن که ازین گرفته. کی این را میشود با ما کو و سامس قیاس کرد! هیچ ربطی بهم ندارد! مگر اینکه با يك سریشی بهم بچسبانید. اینها دو موضوع مستقلی است که هیچ بهم دیگر نسبت ندارد بنا براین بنده که پیشنهاد کردم نظر اولاً چیزی بود که در مجلس معین شده بود. ثانیاً همینطور که آقای حائری زاده میل ندارند در شخصیات داخل بشوند هیچوقت هم خدا نکند که بنده و ایشان در يك مسئله سیاسی که نظری واقع میشود داخل در شخصیات بشویم. چون این مسائل سیاسی در مجلس مسئله اجتهاد است. هرکس بدارك خودش يك اجتهادی میکند. در اینجا اجتهاد بنده و ایشان در این مسئله سیاسی اختلاف دارد ولی نه این است که خدای نخواسته با ایشان داخل در شخصیات بشوم ایشان آنطور قضاوت کردند بنده عرض میکنم باین ترتیب قانونی که جریان دارد قضاوت بنده اینطور است. این است که ما عده وکلایی که در مجلس هستیم هیچوقت اغراض شخصی در نظر نداریم در امور نظری اختلاف پیش میآید نه اینکه بخواهیم اعمال غرض بهم دیگر یا به مملکت بکنیم. این مسئله اجتهاد است بنده بکطور تشخیص داده ام آقایان دیگر بکطور و قضاوت با اکثریت است. اجتهادمان مختلف است بنده عرض میکنم مطابق قانون و سابقه که داریم باید اینطور قضاوت کنیم نباید آقای حائری زاده دلتنگ بشوند که چرا داخل در شخصیات شده ایم.

رئیس - آقای دشتی پیشنهاد کرده اند این مسئله از

دستور امروز خارج شود. بفرمائید

دشتی - عرض کنم مسئله از دوشق خارج نیست يك مسئله انتخاب سیرجان است که در اینکه يك مسئله نظری است هیچ شبهه نیست. حالا معلوم نیست محل اختلاف جنبه های سیاسی است یا حقوقی است. علی ای حال دنبال کردن این قضیه چندان حسنی ندارد و از طرف دیگر لوایحی در دستور هست که تمام مملکت منتظر این لوایح مفیده اند. و بالاخره این را هم باید اعتراف کرد که مسائل عمومی مملکت مقدم است هم بر وکالت آقای کاظمی و هم آقای بدر باین جهت از آقایان استدعا می کنم عاجلاً این مسئله از دستور خارج شود و مطابق فرمول مجلس با يك عده را معین بکنند که در این باب تحقیق کنند یا به کمیسیون برود یا به شعبه دیگری برود یا در خارج آقایان وکلا این مسئله را حل کنند و بالاخره این قدر اوقات مجلس صرف يك مسئله جزئی نشود و به کار مسائل عمومی مملکت برسد. استدعا میکنم از طرفین که اجازه بدهند از دستور خارج شود ممکن است در خارج صحبت بشود بعد جزء دستور بشود رئیس - چون آقای مدرس هم در همین زمینه پیشنهادی

کرده اند بعد از توضیحات ایشان رأی میگیریم

(پیشنهاد آقای مدرس نیز بمضمون ذیل قرائت شد)

نظر باینکه در موضوع انتخابات سیرجان که پیشنهاد شده بود فی الجمله مذاکراتی شد و نظر باینکه با بودن بعضی مطالب مهمه در دستور مثل راه آهن و غیره مناسب نیست مذاکراتی که موجب تألم است بین آقایان بشود پیشنهاد میکنم بقیه مذاکرات باشد تا جلسه دیگر امیدوارم موفقیت حاصل شود که قضیه در خارج بین جمیع آقایان بطور مسامت حل شود.

رئیس - آقای مدرس توضیحی دارید.

مدرس - توضیحش واضح است. همه آقایان میدانند

دشتی - بنده هم موافقت میکنم

مدرس - ممنوم.

رئیس -- چون عده برای اخذ رای کافی نیست اگر اجازه فرمائید چند دقیقه تعطیل میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- چون قبل از تنفس عده برای رای گرفتن کافی نبود پیشنهاد آقای مدرس دو باره قرائت میشود و رای میگیریم

(بشرح گذشته خوانده شد)

رئیس -- آقای حائری زاده

حائری زاده -- بنده اصولاً با مطرح شدنش موافقم ولی با این طرز پیشنهاد که این جلسه از دستور خارج بشود و جلسه دیگر باز بیاید مذاکره کنیم مخالفم با آن پیشنهادی که آقای دشتی کرده بودند که از دستور خارج بشود بنده موافقم با روح این پیشنهاد موافقم ولی با فرمایش موافق نیستم

رئیس -- آقای دشتی با این پیشنهاد موافقت

دشتی -- بلی موافقم

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای مدرس

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. پیشنهاد راه آهن مطرح است یعنی خسر کمیسیون بودجه راجع به لایحه راه آهن. مذاکرات فعلاً راجع به کلیات است آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی -- بنده با مذاکره در پیشنهاد خط آهن با کلیش مخالفت ندارم و امید واری هم دارم که تمام مملکت از این قبیل کارها فایده کلی ببرد. با چیزی که مخالفم این است که یکمرتبه پنج میلیون اعتبار داده شود بجهت ساختمان راه آهن. تمام پولی که بعد از کارخانه ذوب آهن باقی مانده است تقریباً همین اندازه است.

رئیس -- آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق -- بنده با راه آهن مخالف نیستم بجهت اینکه راه آهن حقیقت واقعش يك چیزی است که در هر جایی رفته باعث آبادی شده و اسباب ازدیاد تجارت و اقتصادیات است ولی با موقعش و طرز خرجش مخالفم هر خرجی را که ما در مجلس تصویب میکنیم متلاًزماً باید اخذ يك مالیاتی است اگر آن خرج را ما در موقع خودش بکنیم برای مملکت مفید است ولی اگر در محل خودش خرج نشود و بی موقع خرج شود برای مملکت مضر است خواه اینکه آن خرج در داخله مملکت بشود خواه در خارج البته اگر در داخله شد چندان مضر نیست ولی اگر در خارج شد خیلی مضر است. در داخله را هم بنده عرض میکنم مضر است برای اینکه وقتی مخارج زیاد شد قهراً مالیات زیاد میشود و وقتی که مالیات زیاد شد مخارج زندگی زیاد میشود و هر ملتی که مخارج زندگانش زیاد شد صادراتش کم میشود زیرا خریدار جنس و متاع خرید خودش را در مملکتی میکند که مخارج ارزان تر باشد. زیرا مخارج ارزان سبب میشود که مال التجاره ارزان تمام شود و زیادی مالیات سبب میشود که این محصولات گران تمام میشود و در نتیجه خریدار خودش را از جاهایی میکند بجاهاهایی که محصول ارزان تر تمام میشود پس بنابراین وضع مالیاتهای بدموقع مخارج را در مملکت گران میکند و البته نتیجه صادرات مملکت کم میشود و اینهمه فریاد که میکنیم که باید صادرات مملکت خودمان را زیاد کنیم یکی از راههایی که صادرات مملکت زیاد میشود وضع نکردن مالیاتهای بی مناسبت و بدموقع است. قبل از جنگ بین المللی بازار بین المللی عالم تقریباً آلمان بود برای اینکه مال التجاره در آلمان زیاد تر خریداری میشد چون ارزان تر تمام میشد و همه خریداران مراجعه به آلمان می کردند.

اگر مال التجاره در آلمان گران تمام میشد هیچکس

این اندازه با آلمان مراجعه نمیکرد و بالاخره باید از آنچه

که سبب گرانی محصول میشود احتراز کنیم یکی از آن چیزهایی که سبب گرانی محصول است وضع مالیات های گراف و بدموقع است. برای راه آهن دو شرط لازم است. هر مملکتی که بخواهد راه آهن بسازد باید دو شرط موجود باشد. اول استعداد ساختن راه آهن است. شرط دوم هم احتیاجات است اما در باب استعداد ساختن راه آهن در مملکت ما از نقطه نظر موازنه تجارتي -- موازنه تجارتي اگر به ضرر ما نباشد به نفع ما نیست اگر چنانچه به احصائیه گمرکی نگاه کنیم می بینیم بیشتر چیز میخریم و کمتر میفروشیم. البته میفرمایند يك صادرات و واردات غیر مرئی هم هست و يك پول هائی هم بین مملکت وارد میشود. بنده این را قبول میکنم ولی چندان قابل نیست و این وضعیت اقتصادی کاملاً حاکی است که موازنه تجارتي بر ضرر ما است پس وقتی که موازنه تجارتي بر ضرر ما باشد استعداد ما کم است و چون عایدات زیادی هم نداریم اگر مقداری عایدتمان را يك جائی خرج کنیم و از او فورا فایده نبریم متضرر میشویم. عایدات ما کلیتاً محدود است و اگر ما خواستیم يك پولی را در يك محلی خرج کنیم که فایده فوری نخواهیم از آن ببریم قهراً ضرر زیاد متوجه ما میشود. فرض فرمائید امروز پولی که در مملکت است سی و پنج تا چهار میلیون است که در داخله مملکت هست و وقتیکه ما از خارج عایداتی نداریم که آن عایدات را صرف يك کارهائی بکنیم این سی میلیون پولی که امروز در جریان است اگر از خارج يك چیزهائی خریدیم و آوردیم قهراً این پول از دست ما خارج میشود و از جریان می افتد و دیگر در دست ما نیست. عوضش چیست عوضش هر چه هست باید مفید باشد اگر عوضش مفید نباشد یا اگر فایده اش فوری یا در يك مدت خیلی نباشد یا اینکه فایده اش راجع باشد به يك قرن یا پنجاه یا صد سال دیگر البته آن پول از دست ما رفته و ما نفع و فایده نداریم.

دویم احتیاج است : اگر يك کسی میخواهد خانه بخرد اول فکر میکنند که من قدرت و استطاعت خرید خانه دارم باندازم بعد هم البته نگاه میکنند بقدر احتیاج خودش خانه میسازد زیرا اگر خانه از احتیاجش زیاده شد بعد ن مصرف میشود و فایده ندارد . اما در مسئله راه آهن یعنی در فایده راه آهن . مملکت بلژیک وقتیکه میخواهد راه آهن بسازد چه میگوید ؟ او میگوید هر هزار ذرع در هزار ذرع یعنی هزار ذرع مربع مملکت من دوست و هشتاد نفر ساکن دارد . بعد میگوید وقتیکه در هزار ذرع مربع مملکت من دوست و هشتاد نفر ساکن داشته باشند دوست و هشتاد نفر در هزار ذرع مربع مسافرت می کنند و دوست و هشتاد نفر در هزار ذرع مربع احتیاجات دارند و نان میخورند ولی در ایران هر کیلومتر مربع پنج نفر ساکن دارد هشتاد مرتبه احتیاجاتش از بلژیک کمتر است و اگر در بلژیک هشتاد مرتبه راه آهن حرکت می کند در ایران يك مرتبه حرکت میکند بنا بر این راه آهن آنجا هشتاد برابر راه آهن ایران کار میکند - مخارج راه آهن که فرق نمیکند بجهت اینکه شما هشتاد میلیون خرج میکنید راه آهن میسازید این هشتاد میلیون اگر در دست ملت ایران باشد و بمصرف کار های دیگر برسد سالی دوازده ملیون فایده میبریم در صورتیکه راه آهن سالی هشت میلیون خرج دارد . پس بنا بر این عرض میکنم راه آهنی که در سال دوازده میلیون خرجش میکنیم اگر هشتاد مرتبه کار کرد البته هشتاد مرتبه منافع ما زیاد تر میشود و اگر يك مرتبه کار کرد منفعت ما هشتاد مرتبه کمتر میشود .

زیرا وقتیکه احتیاجات در مملکت زیاد بشود با احتمالاً زود تر راه آهن را شروع و تمام بکنند زود تر فایده میبرند ولی وقتیکه احتیاجات در مملکت کم شد و راه آهن هم در يك ماه یا در پانزده روز یا يك هفته يك مرتبه حرکت بکنند این فایده ندارد ولی در يك مملکتی

که راه آهن در روز بیست مرتبه حرکت بکنند و احتیاجات اشخاص یعنی دوست و هشتاد نفر ساکن را در يك کیلو متر مربع کفایت بکنند البته راه آهن در آن مملکت اگر ابتدا نعم نداشته باشد هر چه زود تر فایده دارد ولی در مملکتی که احتیاجاتش کم است و دیر کار میکنند این راه آهن هیچ فایده ندارد و از کار می افتد خصوصاً اینکه راه آهنی که در مملکت ما کشیده میشود بنظر بنده این خطی که هست از نظر تجارت داخلی و احتیاجات داخلی است . زیرا که معقول نیست که مملکت اروپا مال التجاره خودش را از راه روسیه بیاورد به بندر جز و از بندر جز هم ببرد بهندوستان که بگوئیم راه آهن ما رابط اروپا و هندوستان است این معقول نیست که ممالک اروپا با مخارج و کرایه ارزانی که در دریا داده میشود مال التجاره را از راه روسیه بیاورند به بندر جز و از آنجا ببرند به محمره . اگر بخوانند يك همچو کاری بکنند ممالک اروپا خیلی صرفه برایشان بیشتر است که از راه مدیترانه بیاورند ب بغداد و از راه بغداد ببرند به هندوستان - پس راه آهن ما اثر بین المللی ندارد و بعقیده من برای تجارت داخلی است . ممالک دیگر که راه آهن می کشند هم نظرشان به تجارت بین المللی است و هم بساکنین محل و می بینند احتیاجاتشان چیست و چقدر باید راه آهن بکشند حساب میکنند و از روی حساب راه آهن میکشند بعد هم اگر پنجسال ضرر بکنند میگویند خیلی خوب خود راه آهن که آمد زمینه را مستعد میکند و احتیاجات را رفع میکند و بعد از پنجسال فایده می برند . ولی در راهی که هیچ احتمال فایده نیست مسئله حمل و نقل را طور دیگری قرار میدهند تا زمینه راه آهن درست و نهیه بشود . اگر راه آهن آذربایجان را ملاحظه بفرمائید (حالا این اعدادی که بنده عرض میکنم اعداد حقیقی نیست زیرا بنده از وزارت فوائد عامه تحقیقاتی کردم و

به بنده جواب ندادند) اگر راه آهن آذربایجان را هر فرسخی سیصد هزار تومان بگیریم خرجش شده است نه میلیون در آذربایجان خرج راه آهن شده است و این مسئله خیلی تجربه و مطالعه خوبی است برای ما که به بینیم راه آهنی که در آذربایجان کشیده اند و نه میلیون خرج کرده اند و حالا دوازده سال است این راه آهن در آنجا دایر شده چه عایداتی برای ما داشته و چه فایده عاید ما شده ؟ برای اینکه نه میلیون که برای راه آهن آنجا خرج شده واقعاً باید سالی نصد هزار تومان فایده بدهد در صورتیکه از راه آهن ده يك برنمیدارند و بیشتر از ده يك باید برداشته شود زیرا در ظرف ده سال . بیست سال . سی سال . گاهی لازم میشود که همه چیزش باید عوض شود پس باید فایده اش بیشتر باشد . حالا فرض میکنیم که يك کسی نه میلیون داده باشد اقبالاً باید در سال نصد هزار تومان فایده برده باشد و حالا دوازده سیزده سال است که راه آهن آذربایجان دائر است بنده خیلی میل داشتم که آقای وزیر فواید عامه معین میکردند که در ظرف این دوازده سال چقدر عاید دولت شده و مخارج راه آهن چیست ؟ و عایداتش چقدر است ؟ در صورتی که آن نقطه از تمام نقاط ایران جمعیتش بیشتر است . این را ما میتوانیم مقیاس قرار بدهیم با آنجا هایی که جمعیتش هم خیلی کمتر است و بگوئیم خیلی خوب حالا که در آذربایجان با این جمعیت زیادی که دارد راه آهن سالی صد هزار تومان فایده دارد جای دیگر هم صد هزار تومان عایدات دارد - اگر بود چه راه آهن آذربایجان معین میشد ملاحظه میفرمودید که بعد از دوازده سال راه آهن دخل و خرج نمیکند و فایده نمیبرند و نتیجه عرایض بنده معلوم میشد .

در قانون جزا مقدمات اعمال منتهیه قابل مجازات نیست یعنی اگر کسی بخواهد کسی را بکشد مقدماتش قابل مجازات نیست میبرد تفنگ میخرد از برای کشتن فشنک می خرد برای کشتن . حرکت میکند می رود وارد

خانه میشود برای کشتن ولی ناکشد ابدأ مجازات ندارد مگر اینکه آن اعمال مقدماتی خودش بخودی خود قابل مجازات باشد . فرض بفرمائید بنده می خواهم بروم يك کسی را نوبی خانه اش بکشم وقتی که از پله نردبام رفتم بالا و داخل خانه شدم شاید از نردبام بالا رفتن خودش يك مجازاتی داشته باشد و بخودی خود آن عمل مجازات داشته باشد ولی اگر آن کار مجازات نداشته باشد تا زمانی که آن عمل نشده آتقدمات قابل مجازات نیست و قانون گذار آن عمل را قابل مجازات نمی داند .

بکنفری حرکت کرد رفت يك کسی را بکشد و تمام مقدمات کشتن او را هم فراهم کرد و رفت در خانه آن شخص اما گفت عوض اینکه من يك نفس شریفی را بکشم يك حیوان موذی را میکشم . این جا کار خوبی هم کرده است زیرا میخواسته است يك کار بدی بکند و نکرده است . اعمال مقدماتی برای این بود که يك کار بدی بکند و عمل آخر را بکند و آن مسئله را که علت العلل است و علت غائی است بکار ببرد و آنوقت آن کار را نکرد و آمد يك کار خوبی کرد یعنی يك حیوان موذی را که قانون گذار برای کشتن او اجر قرار داده است کشت . این جا آن شخص مأجور هم هست . حالا بنده عقیده ام این است که در مثل مناقشه نیست و بنده مخصوصاً استدعا میکنم از آقایان محترم که يك قدری در این مسائلی که واقع شده دقت بفرمایند چون واقعاً ما همه نماینده ملت هستیم اگر بیک قدری در مسائل دقت بکنیم هیچ ایرادی بر ما وارد نیست . خوب میگویند شما پنج میلیون میخواستید رأی بدهید چرا دقت کردید ؟ خیر آقا : بنده دارم به پنج میلیون خرج رای میدهم . بنده می بینم يك ملتی که بعضی افرادش در این کوچه ها افتاده اند و دارند میمیرند وقتیکه من وکیل هستم و از طرف این ملت انتخاب شده ام و در اینجا میخواهم رای بدهم چرا برای

يك مسئله پنج ميليونى يك مطالعه و دقتى نكرده باشم فقط در تحت تاثيرات واحساساتيکه راه آهن خيلى خوبست و اگر راه آهن بيايد فايده خواهيم برد يك رأى غلطيكه براى مملكت ضرر داشته باشد بخيال اينكه بمملكت خدمت بكنم بدم بنا بر اين انسان بايد دقت كند. بله ما يك قانونى در اينجا تصويب كرديم كه قانون انحصار قند بود و بقيد دو فوريت رأى داديم و تصويب شد بعد هم لايحه راه آهن را آوردند در اين مجلس و آنرا هم بقيد دو فوريت رأى داديم. آيا اين مقدماتى كه ما كرديم حقيقه مستلزم اين است كه ما اين عمل نهائى را هم مطالعه نكرده بكنيم؟ چون گفتيم خط آهن بکشند حالا بز گردغان باز است و دست هايمان را بسته اند و مجبوريم امروز هم كه لايحه اعتبار راه آهن مي آيد در مجلس يك مطالعه رأى بدهيم كه بروند خرج كنند و بالاخره اين پنج ميليون سبب بشود كه ريش ما تا آخر گير بيفتد و چهل و پنج ميليون ديگر هم رأى بدهيم و تمام وجوهى كه در اين مملكت سرمايه دست مردم است تحت قانون انحصار بگيريم و رأى بدهيم خرج كنند. بنده عقیده ام اين است كه آقايان خوب است دقت بفرمايند به بينند اگر حقيقه اين عرايضى كه بنده مى گفتم غلط و خبط است خوب شما دو روز، سه روز، چهار روز ضرر كرده ايد ولى آنوقت شما در حقيقت پهلوى وجدان و موكلينتان شرمنده و خجل نيستيد و ابرادى هم وارد نيست. ميگوئيد آقا من وكيل هستم. نماينده ملت هستم، وقتى كه بخوام به يك لايحه پنج ميليونى رأى بدهم مجبور به يك تحقيقات و مطالعاتى هستم، بايد متخصص راه آهن را بخوام، يك صورتى از صادرات و واردات بخوام، كه وجدان خودم را راضى كنم كه رأى به اين پول بدهم. براى اينكه اين رأى كه ميدهم به غلط رفته باشم و پهلوى خدا و رسول و پهلوى مردمى كه بمن رأى داده اند شرمنده و خجل نباشم.

پس بنا بر اين اگر ما يك قدرى دقت كنيم مورد شنعت و ملامت نيستيم. بلكه به ما خواهند گفت كه شما نمايندگان هستيد كه احتياطات لازمه و دقت هاي كافي را بكار برده ايد و رأى داده ايد. ولى اگر برعكس يك لايحه را يا يك اعتبارى كه مى آورند دقت نكرده و بي مطالعه رأى بدهيم و فردا در حقيقت پهلوى نفس خودمان و پهلوى خدا و رسول و مردمى كه به ما راى داده اند مسؤل باشيم اين بنظر بنده يك كاري است كه صحيح نيست. بنده تصور ميكنم كه اگر ما بخواهييم آن پولى را كه خرج مي كنيم از آن پول استفاده كنيم و راه آهن بکشيم بنده عقیده ام را در مجلس عرض كرده ام و حالا هم حاضر در هر جائى كه بفرمائيد از روى حساب و دليل مدلل ثابت كنم كه ما ميديست اين موجودى را كه الان هست (بنده عرض كردم با راه آهن مخالف نيستم) اگر شما از عايدات انحصار قند بخواهد قند بسازيد بنده موافقم بجهت اينكه ميگويم يك چيزى پيدا مى كنيم و براى يك چيزى خرج مى كنيم براى اينكه امروز همانطوري كه عرض كردم محل احتياج است. اما فائده راه آهن: هر مملكتى كه احتياجش بيشتر است راه آهن در آنجا بيشتر فايده دارد و هر جائى كه احتياجش كمتر و جمعيتش كمتر است بالنتيجه فائده اش كمتر است. ما الان يك وسائل موجودى داريم و احتياج بچيز هاي ديگرى داريم و هيچ محتاج نيست كه پنجاه سال ديگر راه آهن بيايد در اين مملكت و مردم را عادت بدهد به مسافرت و خريد و فروش مال التجاره ما چرا الان از اين پولى كه حاضر است استفاده نكنيم و برويم پول خودمانرا در زمين برزيم؟ و ضرر كنيم براى اينكه پنجاه سال ديگر ميخواهيم استفاده كنيم. آن احتياج موجوده بعقیده بنده قند است. ما در سال ۲۲ ميليون قند ميخریم و چهارده ميليون پول حالا موجود داريم. بنده

باهر كسى بفرمائيد حاضر هستم مباحثه و مذاكره كنم كه اگر ما اين چهارده ميليون پول موجودى را خرج كارخانه قند در نقاط مختلفه بكنيم هم قند ارزانر ميشود و هم ما مستغنى از فرستادن چهارده ميليون پول بخارجه ميشويم. وقتى كه ما چهارده ميليون بعبادتمان اضافه شود تقريباً تا دو سال سه سال ديگر ما ميتوانيم هفت ميليونش را بدهيم و بگوئيم اين هفت ميليون را هم بدهيم براى احساسات يا نجل يا نجر به هم كه بشد راه آهن بسازيم. بالاخره اگر ما اين مردمرا چاق نكنيم نميتوانيم آنها را بدوشيم. بايد استفاده مردم بدهيم آن وقت از آنطرف هم بگيريم نه اينكه اين هم كه در دست مردم است بگيريم و برويم در زمين برزيم و تا پنجاه سال ديگر فايده نبريم. بنظر بنده اگر الان ما بخواهييم يك چيزى را قائم مقام راه آهن بكنيم كه از اين پول موجود فايده ببريم كارخانه قند است. بنده آن قدريكه با معاملات سفهى مخالفم بابعضى چيزها مخالف نيستم. آنچه كه بنظر بنده مى آيد در مجلس يك اعتراضى كرده بودند كه ماليه اين مستخدمين راه آهنى را كه آورده است و دولت دويست هزار تومان اعتبار گرفته است اين اعتبار را زود تمام كرده اند. در چند روز قبل از اين يك متحدالمالى تحت نمره ۳۳۰ به امضای رئيس ماليه براى وكلا برسد بنده هم دارم. اين متحد المالك دو موضوع داشت: اول راجع بخريد صد و چهل هزار دلار بود. چون مستخدمين امريكائى گفته اند كه ما با تومال معامله نمى كنيم و حقوق ما بايد با دلار باشد، صد و چهل هزار دلار خريده اند براى اينكه حقوق آئينه آنها را كه امسال باشد تأمين كنند و بدهند. دوم هم اين بود كه لايحه پنج ميليون يك ماه است به تصويب وزارت ماليه رسيده ولى مجلس يك همچو موضوع مهمى را تاخير كرده اند و جاى تأسف است. بنده در موضوع اول چندان مخالف نيستم بجهت اينكه مهندسين كه بقدر متخصصين ماليه از علم اقتصاد بهره ندارند شايد

آنقدر فهميده باشند كه نمى توانست پول ما نزن كند و دلار بالا برود بنا بر اين مى گویند ما پول خودمان را به دلار ميخواهيم تبديل بكنيم و وزارت ماليه هم اين صد و چهل هزار تومان را از حلال دلار خريده بى اينكه تا دو سال ديگر پول دلار به آنها بدهد ولى از اين معامله تعجب ميكنم كه وقتى كه مهندسين امريكائى كه آنقدر متخصص در امر ماليه و اقتصاد نيستند اين مسئله را ملتفت هستند كه اگر بخوانند تومان بگيرند شايد بواسطه نزل نقره سال ديگر پول ما ارزان مى شود آنها فكر خودشان هستند كه پول ما را به دلار تبديل كنند چه ميشود كه وزارت ماليه چهارده ميليون پول ما را ليره طلا نمى كند؟ بجهت اينكه اگر ما چهارده ميليون پول موجود مان ليره طلا بود امروز كه ميخواهيم لانه راه آهن بخريم چهارده ميليون لانه ميگرفتيم ولى امروز كه چهارده ميليون را به تومان داده هر قدر كه بخواهييم لانه بخريم نظر به اينكه ليره بالا ميرود و تومان بواسطه نزل نقره پائين مى آيد ما يك ميليون دو ميليون هر قدر پولمان بيشتر باشد به همان نسبت ضرر داريم. و اين مسئله اسباب تعجب بنده است كه بالاخره عوض اينكه پول ما به ليره تبديل ميشد لايحه هم به مجلس ميآيد كه گمرك نقره موقوف شود. براى اينكه نقره را كه ميبرند در ضرابخانه آنجا خيلى اجرت ضرب ميگيرند. بنا بر اين نقره هم بايد مالياتش موقوف شود. اين لايحه براى امريكا يك فايده دارد و براى ما دو ضرر. چون امريكا البته فروشنده نقره است اگر نقره اش را بخرد ضرر دارد، براى ما هم دو ضرر دارد و اولش اينستكه ما در يك موقعى كه بايد پول خودمان را طلا بكنيم تسهيلات در كار بيشتر مى كنيم كه نقره بيشتر بيايد در مملكت. زيرا وقتى كه نقره در مملكت بيايد كريك وقتى هم ما بخواهييم پولمان را طلا كنيم هر قدر نقره در مملكت زيادتر باشد ضرر ما بيشتر است براى اينكه وقتى كه نقره در مملكت زياد شد هيچوقت نميتوانيم ما

یولمان را طلا بکنیم باین جهات ما دو ضرر می کنیم و يك نفع امریکا میبرد. اگر با این اعمال بنده چندان مخالفت نمی کنیم برای این است که حقیقه با نوع بشر مخالف نیست و دشمن نوع بشر نیست. اگر این ملت فایده نمیبرد ملل دیگر میبرند و ملل دیگر دنیا هم نوع بشرند ولی با معاملات سفیدی بنده حقیقه نمیتوانم موافقت کنم و آن این است که ما استعداد ایجاد کاری را نداشته باشیم و احتیاجش را هم نداشته باشیم آن وقت برویم يك کاری بکنیم که برخلاف استعداد و احتیاج باشد. پس بنا بر این عرایضی که شد ما باید اول احتیاجات خودمان را زیاد کنیم و بنظر بنده اگر ما بخواهیم احتیاجات خودمان را زیاد کنیم راهش اینست که ما امروز کارهای مهمی در قسمت کامیون بکنیم. اگر ما امروز آمدیم کامیون بکار انداختیم و این راههای شوسه را بکار انداختیم کامیون فایده خواهد داشت البته ممکن است بگویند کامیون و بترین هم از خارج خرید می شود و کامیون هم مضر است ولی خبر ما اگر بخواهیم خط آهن بکشیم چهار میلیون پولمان بخارج می رود (که سالی چهار میلیون حد اقل منفعت آن است) و سالی چهار میلیون هم بودجه راه آهن است پس این ضررش برای ما از هر چیزی زیادتر است در صورتیکه اگر ما سرویس کامیون را در این مملکت دائر کنیم باین ترتیب که پنجاه کامیون بیاوریم برای مسافرن که یکی از طهران حرکت کنند برود بوشهر و یکی هم برعکس - مسافرن راه بوشهر روزی بیست نفر نیست محال است. روزی پنجاه نفر هم نخواهد بود. باین ترتیب ما میتوانیم مسافرت راه بوشهر تا اینجا را با کامیون تأمین کنیم و اگر ما پنجاه اتوبوس مسافرنی داشته باشیم میتوانیم در پنج نقطه ایران خط ابتدائی و انتهائی درست کنیم و بعد هم یک عدد کامیون که بنده شنیده ام امروزه در اروپا هست که با بخار حرکت میکند و بخارج سوختش هم خیلی کم است آنها را بیاوریم برای حمل و نقل - البته اگر امروز شروع بکنیم بکشیدن

راه آهن تازه سال دیگر راه آهن فایده ندارد و البته تا ده سال دیگر هر چه خرج بکنیم بیفایده است و بعد از ده سال هم بترتیبی که بنده عرض کردم مملکتی که هر کیلو متر مربعش پنجاه نفر جمعیت دارد کان نمیکند فایده داشته باشد. امروز مملکت فرانسه يك بودجه ها و كمك هائی برای راه آهن میکند چرا؟ برای اینکه ضرر میکند با اگر ضرر نکند و منفعت هم داشته باشد منفعتش خیلی کم است - بنظر بنده اگر ما در این مملکت راه های شوسه مان را درست کنیم ماضر نمیکنیم زیرا همان اندازه که مردم متفرقه از سرویس کامیون فایده میبرند دولت هم فایده میبرد. آیا مردم متفرقه هیچکس هست که كمکی بکند بنسبت بودجه شان مساعدتی بکند؟ البته دولت هم فایده میبرد و همین دلائلی که عرض کردم این مسئله مفیدتر می باشد بجهت اینکه ما اگر برای راه آهن از حالا خرج میکنیم تازه سال دیگر فایده نمی بریم ولی از امروز که کامیون را دائر کردیم شروع میکنند به تربید احتیاجات و وقتی که احتیاجاتمان زیاد شد البته فایده میبریم. ولی راه آهن در مملکت ما بلا منفعت است. بعلاوه کامیون يك فایده دیگری هم دارد و آن این است که راه آهن مؤثر در طرفین خط است و آن نقاطیکه دور از راه آهن است آنها که احتیاجاتشان رفع نمیشود. آنها باید با مال التجاره خودشان را با همین وسایل نقلیه حمل کنند و برسانند بخط آهن. پس اگر ما سرویس کامیون را درست کنیم همین جائی که امروز میخواهیم راه آهن بکشیم زودتر شروع میشود به تربید احتیاجات و هم درجا های دور و بالاخره بنظر بنده سرویس کامیون مفیدتر است چون بنده خودم از اداره حمل و نقل تحقیقات کرده ام ممکن است همانطوریکه عرض کردم بگویند خوب کامیون را هم باید از خارج بخریم. بترین را هم باید از خارج بخریم. چه فرق دارد؟ اینها را هم باید از خارج بخریم ولی خیر اینطور نیست. اولاً ما اثابیه راه آهن را باید چهل میلیون بخریم و بعد هم سالی چهار میلیون بودجه بدهیم

و چهار میلیون هم ضرر بدهیم و فایده هم نمیکند مثل راه آهن آذربایجان که بعد از دوازده سال فایده نکرد در صورتیکه اگر ما در همینون خرج بکنیم میتوانیم سرویس کامیون را دائر کنیم و این برای ما مفید است بطور غیر مستقیم چرا؟ بجهت اینکه بنده تحقیق کرده ام و در وسایل نقلیه خودمان که پیش و در اداره حمل و نقل خرواری دوری که کرده ام مشاهده این خرواری دوری هم اجباری بود زیرا هیچ ضرر ندارد و کارائی خرواری دوری را راضی بدست و این يك نسیخی بود که خود دولت از روی اجبار معین کرده بود معذات همین خرواری دوری را هم که ماخذ بکیریم (بنده از دوره حمل و نقل تحقیقات کرده ام) به همین کامیونهای که داریم. همین کامیونهای بدو متوسطی که داریم کرایه نصف کرایه پیش میشود و البته وقتی که کرایه نصف شد و عوض بشکست خرواری دوری را بدهند خرواری يك بویل و يك قران دادند آن وقت صادرات مملکت ما بخارج ریزان تر تمه میشود و وقتی که صادرات ریزان تر تمام شد خریدارانش بیشتر است و پول بیشتر وارد مملکت میشود. پس اگر ما یکمقداری پول برای کامیون و بترین بخارج بدهیم از آن طرف چون صادرات بواسطه کمی کرایه ریزان شده و خریدارانش بیشتر است فایده میبریم. بنده بر این عقیده بنده این است که اگر امروز شروع کنیم بسرویس کامیون هم شروع کرده ایم به تربید احتیاجات و هم اینکه ضرر زیادی نبرده ایم و بالاخره این مسئله که تولید احتیاجات باشد وقتی فراهم شد راه آهن هم زودتر فایده می دهد - و این پول موجود را هم اگر نخواهید صرف يك کاری بکنید که فایده داشته باشد بنده عرض میکنم قند سازی است و تصدیق بفرمائید که ما باید يك کاری بکنیم که فایده داشته باشد چون ما يك ملت فقیری هستیم. اگر یولمان را در يك جائی ریختیم که نتوانیم زودی از آن فایده ببریم باید راه آهن خودمان را همینطور نیمه تمام بگذاریم و بنده نمیدانم آن نیمه تمام را کی خواهد ساخت؟

وزیر فواید عامه - عرض کنم البته بنده منکر نظریات نیستم. نظریات در دنیا ممکن است مختلف باشد. آقای نماینده محترم نظریاتشان این بود که فرمودند - يك متداریش هم فلسفه علم اقتصاد بود و بنده در این جا چون هنر اصطلاح نیست وارد نمیشود - بکنند ریش هم راجع بود به راه آهن و این جا هم يك نظری بود که آه راه آهن ضرر دارد؟ فایده دارد؟ کامیون بهتر است؟ شاید کاری بهتر از هر دو باشد چنانکه نصت و پنجسال است که ما عمر کرده به پنجاه و پنجسال را و گفاری و قاطر به لاغ گذشته - در شان را هم آورده اند و برده اند باینکه هم نشسته اند قاطر هم سوار شده اند مسافرت هم کرده اند امر هم گذشته - این محل شبهه نیست البته اگر يك چیزهای جدید الا اختراع در این مملکت نیامده بود باز هم ممکن بود با همین وسائل پنجاه سال قبل خودمان زنده کافی کنیم یعنی با همین قاطر خودمان آمد و شد کنیم و نوی باینکه هم بنشینیم و شتر هم برمان نماند. ولی عجالت این مسئله راه آهن يك امری است که زائیده شده و کجا نمیکند دیگر بجایش بر گردد. ما شخص بنده نه از این نقطه نظر که حالا يك ماموریت خاصی در این باب دارم دفاع میکنم خیر حساب کرده ام که بعد از اینکه در این مملکت راه آهن ساخته شد چقدر منافع مستقیم و غیر مستقیم برای این مملکت خواهد داشت. بنده ما بین مردم ایران از پنجاه سال پیش تا حالا متخصص ترین اشخاص در باب راه آهن مرحوم صنایع الدوله را میدانم. و شخصاً هم تابع رأی او هستم و بنده میدانم که بیست سال تمام مرحوم صنایع الدوله در اطراف این مسئله در باب آمد و شد و ورود و خروج مال التجاره و سایر مسائل مربوطه براه آهن هم را مطالعه کرده و بالاخره عقیده قطعی او این شد که یکنانه وسیله تجارات ایران در راه آهن است مسئله را هم عنوان کرد و محل هم برایش پیدا کرد و خیلی هم بحث کرد منتهی آن وقت مقدر نبود با وسائل هنوز

فراهم نشده بود که این کار صورت بگیرد و از آن وقت تا الان که این جا ایستاده ام من هم بآن عقیده بودم و معتقدم که یکانه وسیله و راه نجات این مملکت راه آهن است هم از نقطه نظر اقتصادی و هم از نقطه نظر سیاسی. چون در قضیه نباید همه را بفکر اقتصادی بود بلك وقت هم هست که اگر بنده خاند خوره را که در بلك حیابان عالی واقع است تعمیر کنیم و آن را بحال خری بگذاریم آن وقت بلك بادیه پیدا خواهد شد که می گویند دیگر لازم نیست همچو خانه در حاشیه این خیابان باشد و خراب میکند و بلك خانه عالی میسازد که متناسب وضع خیابان باشد.

اما راه آهن شبهه ندارد که در بدو تاسیس در خیلی از ممالک فائده نداشته و معذک تمام ممالک ساخته اند حتی روس ها از مسکو به بندر پرت آرتور راه آهن کشیده اند. چون نماینده محترم در اینجا چند دفعه لفظ سفهی در ضمن فرمایشاتشان فرمودند بنده هم می خواهم عرض کنم که هیچ سفهی در دنیا تصور نمی کنم پیدا شود که از مسکو به پرت آرتور راه آهن بکشد! ولی این آبا نفع مستقیم خواهد داشت خیر. آبادی در مملکت پیدا میشود راه اتصال مملکت بسایر جاها باز خواهد شد - و در این جا بلك مقتضای است که تا انسان در کار وارد نشود و راه آهن نسازد نمی تواند منافع آن را احساس کند. مگر نظمی در مملکت منافع مستقیم دارد؟

مدرس - نظمی ما دارد؟

(خنده نمایندگان)

وزیر فواید عامه - مگر امنیه منافع مستقیم دارد؟ مگر نظام و سایر چیزها منافع مستقیم دارند؟! خوب نظمی را ما برای چه می خواهیم؟

برای اینکه نظم شهر را عهده دار باشد. امنیه برای ایست که راهها منظم باشد. نظام برای این است که مملکت منظم باشد. همه اینها خرج دارد. ولی برای

مملکت لازم است و جزو ضروریات زندگی مملکت است. چهل سال قبل از این ما در طهران داروغه بازار داشتیم چند گزیده گزیده داشتیم بازارهای ما هم هیچ عیب نداشت و دزدی هم شاید کمتر میشد. چند نفر دیگر هم در شهر داشتیم که حالا بنده اسمشان را نمیدانم و همه اینها شهر را حفظ میکردند و سالی چهار پنج هزار تومان هم بیشتر خرج نداشت. ولی اقتضای زمان برای ما درست کرد. همان اقتضای زمان حالا میخواهد برای ما راه آهن درست کند. خیلی هم مفید است. میفرمائید کامیون - اولاً اشتباه نشود که روی این راههایی که ما الان داریم چه آن راههایی که روسها ساخته اند چه آن راههایی که انگلیس ها ساخته اند چه آن راههایی که خودمان ساخته ایم روی هیچیک از این راهها کامیون نمی تواند حرکت کند. و خرجش خیلی زیاد تر از دخلش است و از قرار بر آوردی که کلنل موریس کرده است و نقشه کشیده و حساب کرده اگر در آن راههایی که ما تصور میکنیم کامیون راه بیندازیم بهتر است و خیال میکنیم عوض بلك خط سازنده خط راه خواهیم داشت چهل و پنج میلیون خرج دارد. و بعد هم که این چهل و پنج میلیون را خرج کردند و راه کامیون رو درست کردند باز برای نگاهداری آن بیش از راه آهن خرج لازم خواهد داشت و مبالغ زیادی باید خرج اصلاح و تعمیر و مرمتش نمود ولی راه آهن راست است که خرج اولش بک قدری زیاد است ولی بعد خرجی نخواهد داشت. الان این کامیونهایی که از طرف خاقین و کرمانشاه بطهران از این راهی که روسها ساخته اند میابند با اینکه ما این راه را مرمت کرده ایم ولی چون در ایام جنگ ساخته شده این کامیونها مقداری از این راه را تراشیده اند بطوریکه ما از عهده مرمتش بر نمیائیم و باید دانست این راههای شوسه که تا کنون در این مملکت ساخته شده قابل عبور کامیون نیست برای اینکه زیر سازی آنها محکم نیست و آن قدری که باید سنگ بریزند نریخته اند و آنطور که باید محکم نیست و همه

اینها را اگر نخواهید درست کنید بطوریکه بدردمصرف آمد و شد کامیون بخورد متجاوز از چهل و پنج بلكه پنجاه میلیون خرج خواهد داشت و همین کار هم کمتر از دو سال وقت لازم ندارد. و بعد هم که ساخته شد تازه کامیون کار راه آهن را نمی کند. اداره ابرزاق سیصد تا کامیون و مخارج گران برای سال گرانی تهیه کرده بود از قراریکه میگویند دویست و هفتاد تنی آنها شکسته و آنجا افتاده است.

دکتر مصدق - شکسته بود که خریدند.

وزیر فواید عامه - حالا شکسته بود یا نه. بنده اطلاع ندارم. علی ای حال کامیون کار راه آهن را نمیکند. ما آمدم بر سر این راه آهن که ما میخواهیم بسازیم لایحه این را در دو سه سال قبل دولت وقت به مجلس پیشنهاد کرد و مجلس هم رأی داده حالا اگر آقایان در آن رأی عجله کرده اند بنده نمیدانم و برای خرجش هم لایحه به مجلس آوردم و آقایان رأی دادند. عجالتاً یازده نفر مهندس آمریکائی و سی چهل نفر مهندس بین المللی که بیست نفر آنها ایرانی هستند و هفت هشت نفر مختلف اینها در شش نقطه مملکت مشغول کار و مطالعه هستند بین استرآباد و شاهرود کار میکنند. بین طهران و شاهرود کار میکنند. در دره های بین دزفول و خرم آباد کار میکنند. در کنار رود کارون کار میکنند بلك دسته شان هم کنار خور موسی و خلیج مشغول مطالعه هستند برای اینکه بهترین بندر را انتخاب کنند و به بینند کجا مناسب تر است. و بلك دسته در خلیج میان کاله کار میکنند برای اینکه عمق آنجا را تشخیص بدهند و به بینند کجا برای فرود آمدن بار مناسب است. شاید پنج شش ماه بلكه هفت هشت ماه دیگر ما محتاج شدیم باینکه بار بیاوریم و باید معلوم شود که این بار از این طرف یا از آن طرف از هر طرف بیاید باید پیاده شود و باید بلك محل مناسبی برای پیاده شدن بارها موجود باشد. غرض این است که الان ما شش دسته مهندس داریم که در نقاط مختلف کار میکنند و بلك وجوهائی هم مجلس تصویب کرد که

این مهندسیان داده شود. چون مجلس تصویب کرده که در این دو سه ساله حقوق مستخدمین باید از این محل برداشت شود از این جهت مالیه هم به مرتباً قانون مصوبه خواسته عمل بکنند و حقوق دو سه ساله این مهندسیان را از این دویست و پنجاه هزار تومان کمتر گذشته یعنی دلار خریده که به دلار بماند. حقوق بدهد برای اینکه برای مالیه و صرفه تر است ما اینطور قانون را تفسیر کردیم که حق نداریم باین پول خرج دیگری بکنیم و مجلس این خرج را برای مهندسیان تصویب کرده و فعلاً این شش دسته هم دارند کار میکنند. حقوق مستخدمین آمریکائی پیش بینی شده که بیدماه بماند بماند. ولی برای سایر مستخدمین و اعضاء و اجزاء حقوق پیش بینی شده و الان ما باید بلك مقداری ابزار کار بخریم از قبیل کنگریل مته اسباب سنگ شکستن و از این قبیل اسبابها باید بخریم و در این نقاط باید تلفون و تلگراف دایر کرد و هزار چیز دیگر میخواهد که لازمه اینکار است. و لایحه اش هم هست که علیحده تقدیم میشود غرض این است که ما باید مقداری اسباب تهیه کنیم و وسائل تسطیحات را که بقول خودشان تراست میگویند فراهم کنیم. از بین اهواز تا دزفول مشکل نیست ولی وقتی که وارد میشود بین یکی از دو دره یا طرف کشکان یا طرف آب دز آنجا کار قدری مشکل میشود و اسباب های خیلی سنگین میخواهد برای شکستن کوهها. و در رفتن از آن دره ها. اخیراً مجلس در جزو تصویب شروع ساختن راه آهن همچو تصویب فرمودند که مخارج ساختن راه آهن را اول سال بیاورند و تصویب مجلس برسانند. امسال چون ما ناچاریم اعلان مناقصه بدهیم و ممکن است شش ماه طول بکشد تا اسبابها برسد و تقریباً امسال تمام خواهد شد باید بلك اعتباری داشته باشیم از برای بیعانه دادن بان مناقصه هائی که بالاخره جواب خواهد رسید و بالاخره یکی از آنها اختیار خواهد شد بنا بر این تخمین شده که پنج میلیون

اعتبار لازم خواهد شد ولی این پنج میلیون هم ضرورتی ندارد که يك دفعه پرداخت شود يك چیز هائی ما سفارش داده‌ایم که از فرنگستان می‌رسد و این وجه به اقساط نادیده خواهد شد ولی ترتیب این اقساط طوری است که ممکن است يك قسطش به بازرده روز از امروز گذشته و بعد از آن بیفتند و آنوقت مجلس نیست چه باید بکنیم؟ اگر پول قسط مال را ندهیم که بدقولی میشود و اگر بدهیم که اجازه نداریم پس بهتر این بود که اجازه نخواهیم و تمام اقساط را از همین پول بدهیم. حالا سخن در این است که راه آهن خوب است و کابوون. برای راه آهن مهتر است بیشتر صحبت ایشان نیست. به اینکه مثلاً پولی که داریم قند بسازیم یا کار دیگر نکنیم؟ مطلب از این گذشته عجله ما می‌خواهیم. راه آهن بسازیم. نظر بنده نظر همان اشخاصی است که راه آهن را برای این مملکت مفید میدانند ولو اینکه منافع مستقیمی هم نداشته باشد راه آهن هزار منفعت دیگر دارد که حالا معلوم نیست و وقتی که راه آهن ساخته شد معلوم میشود. در آلمان وقتی که خواستند راه آهن بسازند همه گزاشی‌ها و عرابه‌چی‌ها بدولت عارض شدند که خوب: حالا شما می‌خواهید راه آهن بسازید پس ما چکار کنیم؟ بعد که راه آهن ساخته شد مال کم آمد برای رساندن مال التجاره و آن چیزهائی که لازم بود بخط آهن برسد. در اول کار عرابه‌چی‌ها می‌گفتند ما چه کنیم. ولی پس از آنکه راه آهن ساخته شد معلوم شد مال و گاری کم است این مسائل را کسی نمی‌تواند پیش بینی کند. و کسی نمیداند پس از آنکه راه آهن در این مملکت ساخته شد چه چیزها از مملکت بیرون خواهد رفت. ولی وقتی که راه آهن ساخته شد آنوقت معلوم میشود که چه چیزها از مملکت بیرون خواهد رفت و چه فوایدی دارد برای قند سازی هم يك وقتی يك خیالی به خاطر رسیدن بود و آن این بود که يك لایحه

شور و شریفی مجلس پیشکش کنیم. یعنی پیشنهاد کنیم مجلس و آن لایحه نیک بود. که مرحوم سید الدوله هم میخواست آنرا تعقیب کند. و این محل را بگذاریم برای کارخانه قند سازی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود برای شور در مواد آفایانیکه موافقت قیام فرمایند

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد این لایحه بکشوری بنظر میآید

انتر مخالفتی هست بفرمایند

عده از نمایندگان - مخالفتی نیست

رئیس - ماده اول قرائت میشود.

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی برای اجرائی قانون مصوب ۵ اسفند ۱۳۰۵ راجع به راه آهن در سند ۱۳۰۶ لازم برای ساختن راه آهن از قبیل خرید ادوات - حقوق متخصصین - مزد کارگر نخت نظارت و تقطیس رئیس کل مالیه بعمل خواهد آمد - دولت مجاز است که اعتبار مخارج مصوبه برای یکسال را در سالهای دیگر مصرف و باند حدود آن تعهدی برای سالهای دیگر بنماید

تبصره ۱ - مستخدمین اداری راه آهن ازین مستخدمین رسمی و منتظرین خدمت وزارتخانهها انتخاب و متخصصین فنی برطبق قوانین موضوعه کمترت خواهند شد

تبصره ۲ - بودجه اداری راه آهن بایستی با رعایت قوانین موضوعه و صرفه جوئی کامل همه ساله در ضمن بودجه فواید عامه بجزئه تهیه و پس از تصویب مجلس شورای ملی از محل اعتبار راه آهن پرداخته شود.

تبصره ۳ - دولت مکلف است شاه به شاه صورت مخارج مقدماتی و ساختمان راه آهن را برای اطلاع نمایندگان به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده نسبت به تبصره اول عرایضی دارم

رئیس - بفرمایید.

عمادی - عرایض بنده این است که یکی از مشکلات مهمه مملکتی این است که عده زیادی از محصلین که تحصیل کرده اند و حاضر برای خدمت هستند بواسطه فقدان وسائل اعاشه سرگردان هستند و اینها را قانون استخدام از خدمت به ادارات دولتی شمول داشته و حالا در مسئله راه آهن که یکی از امورات مبتکره مملکتی است خوب است نسبت باین محصلین رعایتی شود. يك پیشنهادی هم عرض کرده و حضور مبارك تقدیم میکنم مبنی بر اینکه مستخدمین و اعضاء اداره راه آهن تنها منحصر به منتظرین خدمت و اعضاء رسمی دولت نباشند بلکه هر کس که مقتضی این کار است و متخصص فنی است بتواند بعنوان کمترت ادرا وارد کنند تا لااقل يك افاقه نسبت بر مردم شده باشد که این بیدچاره هائی که سرگردان هستند و اسباب اختلال و اغتشاش و بی نظمی میشوند راحت شوند و این مسئله هم مرتفع شود و بر طبق همین نظریه پیشنهادی تقدیم کرده ام.

مخبر - قسمت اخیر پیشنهاد آقای در تبصره خود ماده نهمین شده است که میگوید: متخصصین مطابق قانون استخدام کمترت خواهند شد. ولی در آن قسمت اول فرمایشاتشان اگر قدری دقت بفرمایند ملاحظه میشود که اگر ما نخواهیم این راه را باز بگذاریم خیلی خطرناک میشود. برای اینکه ما عموماً عده زیادی منتظرین خدمت داریم. و يك اشخاص لایقی در وزارت خانهها داریم که با همان حقوق می‌توانند در این اداره کار کنند. و اگر بنا شود ما اجازه بدهیم که برای راه آهن از خارج مستخدم استخدام کنند با اینکه در سال صد و پنجاه هزار تومان اعتبار برای منتظرین خدمت تصویب کرده ایم. نه تنها این پول را باید به منتظرین خدمت بدهیم و از این

راه ضروری متوجه ما خواهد شد بلکه همین تناسب هم در بودجه مملکتی ما ضرر خواهد خورد. این است که مخصوص کمسیون سعی کرد که حق مقنن دولت را محدود کند که از استخدام اشخاص خارج جلوگیری شود و مستخدمین ازین همین منتظرین خدمت یعنی اشخاصی که بنا بر حالا پول میدهند انتخاب شوند. ولی متخصصین فنی اساساً موضوع دیگری است. آنها باید مطابق قوانین موضوعه کمترت شوند و آمدن که لازم است باید از معاومات آنها استفاده شود ولی مقصود عضو اداری و مبرز نشین یعنی کسانی که در دفتر بعنوان ثبات و ضبط و ماشی گری متصدی شغل هستند. اینها اگر ازین منتظرین خدمت ادارات انتخاب بشوند اصاح خواهد بود.

عمادی - اجازه بفرمایید توضیح بدهم.

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده نمیخواهم وارد قضیه شوم ولی عرض میکنم بیانه را که آقای وزیر فواید عامه در جواب نظرات آقای دکتر مصدق فرمودند ملاحظه بود. برای اینکه آقای دکتر مصدق نظرشان این بود که فرمودند ما باید فکری بحال فعلی مملکت بکنیم. و نظری بوضعیت کنونی بیندازیم. که از هر سو فقر بر ما احاطه کرده است از این جهت حالا عقیده بر آنند که نداشتند ولی پس از آنکه در مملکت يك جنبشی پیدا شد و کارخانه ایجاد گردید. و معدنی استخراج شد آنوقت البته راه آهن هم لازم خواهد بود حالا بنده نمی‌خواهم کارخانه قند سازی را عرض کنم. میگویم همین لفظ سیمان را استخراج کنید. یا فلان نقطه دیگر را استخراج کنید.

آنچه که بنده فهمیدم نظرشان این بود. ولی اینکه فرمودند دولت روسیه راه آهنش را از کجا تا کجا کشیده باید بدانیم که بین ما و روسیه از زمین تا آسمان فرق است ما کجا روسیه کجا؟ ما يك ملتی هستیم که از هرجهت

فرمودند البته صحیح است ولی این در صورتی است که این پول صحیحاً کنترل و تقبیل شود و مخصوصاً در صورتی است که این پول بجا خرج شود. و الا بصرف گفتن اینکه تو اطمینان پیدا کن و سو اینکه خبر صادق هم باشد بنده اطمینان پیدا نخواهم کرد این ابرهای سیاهی که روز بروز در مالیه ما پیدا میشود و اشکال تراشی هائی که میشود و بنده می بینم که در تحت عبارات دیپلوماسی یک ترتیبی واقع میشود تمام این ها اسباب عدم اطمینان من است و با این ابرهای سیاهی که افق مالیه ما را سیاه و تاریک کرده بنده مخالفم و هیچوقت بنده باین اوضاع رأی نخواهم داد.

معاون وزارت فوائد عامه - اظهارات نماینده محترم در اصل قضیه نبود تا بنده جواب مفصل تری عرض کنم در اطراف راه آهن يك قسمت فرمایشاتی فرمودند که بیشتر جنبه ادبی داشت. اما در مسئله راه آهن که دولت و تمام نمایندگان محترم بآن علاقه مند هستند لازم است عرض کنم که يك منافع آنی ندارد. و اگر کسی خیال بکند که وقتی راه آهن کشیده شد در آخر سال صد هشت یا صد دوازده عایدات بر میدارد خیر همچو چیز هائی نیست در سایر ممالک هم همچو ترتیبی نبوده است. این مسئله مسلم است و حالا ما نباید در اطراف این قضیه زیاد بحث کنیم پس راه آهن در سال اول فائده ندارد. سالهای بعد را هم چه عرض کنم. از این مرحله که گذشتیم می آئیم بقسمت وجهه های استحصانی و اینکه این وجهه را چه تکلی باید خرج کرد و مصرفش باید درست باشد. البته نقطه نظر آقایان بود که این پول در محل خودش خرج شود. و اگر وقتی لازم است بشود. و این البته بوسیله جلسات متعدده و با تهیه مواد و پیشنهادات مختلفه صورت میگیرد و اسباب اطمینان میشود.

اما شرحی را که راجع بمالیه فرمودند گرچه وظیفه بنده نیست که جواب بدهم و شاید آقایان وزراء جواب

محدود و مضیقیم. ما باید بقدر گام خودمان باعتماد را دراز کنیم. اما اساساً علت اینکه بنده با این لایحه مخالفم این است که: يك صفات انسانی است که در اختیار آدم است و يك صفات انسانی هم هست که با اختیار شخصی نیست. مثلاً اطمینان يك امر قلابی است. و يك چیزی است که آقای شیروانی نمیتوانند با بیساز و اظهارات خودشان بن اطمینان که مثلاً بدولت اطمینان پیدا کنم بنده بکلی از چندی باین طرف نسبت بلوا بخواج دولت سلب اعتماد شده. حالا اگر دنیا جمع شود نمی تواند کاری نکند که بنده نسبت بدولت اطمینان پیدا کنم. و نسبت بلوا بخواج مالی و کنترات و کنترلی که در وزارت مالیه میشود بنده اطمینانم سلب شده. شما میفرمائید راه آهن بنده عرض میکنم با اینکه خیلی فزاینده هستم اگر بفرمائید این پول صرف مسجد هم میشود باز بنده عقیده و قبول ندارم. من اعتماد ندارم. من بکنفر نماینده هستم و در دخل و خرج مملکتی حق نظارت دارم و بنده با چیز هائی که مطلع هستم باین ترتیب اعتماد ندارم. آنوقت چگونه بنده میتوانم بیایم و رأی بدهم و بدهم سفید بدهم برای پنج میلیون که از مالیه مملکت بردارند و خرج کنند بنده ناوقتی که اطمینان پیدا کنم که کاملاً در تحت نظارت و مراقبت من خواهد بود نمی توانم اعتماد و اطمینان پیدا کنم. بنده روز بروز می بینم از وزارت مالیه يك ابرهای سیاهی بلند میشود و این ابرها آئینه ما را سیاه میکند و تمام آنچه را که داشته بودته پایه خواهد کرد. آقای شیروانی هم فرضاً بقره باره کند و آقای یاسائی هم با ایشان کمک کنند معذک بنده اطمینان پیدا نخواهم کرد. با این زبانی که در این پنج شش سال ما کشیده ایم هنوز يك اطمینانی رأی بنده و رفقای بنده و اکثریت مجلس حاصل نشده است آنوقت چطور می توانم رأی بدهم که پنج میلیون از اعتبار انحصار قند که آخرین رقم وهستی ملت است و در خزانه ما جمع شده است بردارند و خرج کنند بیایان را که آقای جاج مخبر السلطنه راجع براه آهن و فوائده آن

بفرمایند ولی بنده کان نمیکم این نزلتی که آقای آقای سید یعقوب دارند اساساً وجود داشته باشد. خیر همچو نیست. این پولی که گرفته می شود اولاً از طرف خود مالیه نظارت کامل می شود و در آن ماده هم قید شده. در قسمت اسباب و ابزار از طرف مهندسی که انتخاب شده اند تشخیص داده میشود و البته خوب هم تشخیص داده میشود و نمابنده های مالیه هم کاملاً در این مسائل دقت میفرمایند. و این مسئله البته باید که با مسائل رضایت خاطر ایشان رافراهم بکنند و این مذاکرات راجع بابرهای سیاه و ابرهای سفیده هم که فرمودند گمان نمیکم اصلاً در این موضوع وارد باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
عراقی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.
رئیس - بفرمائید.

عراقی - این ماده اول طوری تنظیم شده است که بنده راجع به بعضی از قسمت هایش مجبوره مذاکراتی بکنم و اگر مذاکرات کافی باشد بنده يك تصرفات عبارتی بنظر رسیده که باید عرض کنم و وزیر فواید عامه با معاون محترمشان با مخبر محترم جواب بنده را بدهند شاید اسباب اطمینان بنده بشود بعد البته ممکن است با کفایت مذاکرات موافقت کنم.

رئیس رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.
(عده کثیری قیام کردند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای فهیمی.

(شرح ذیل قرائت شد)

تبصره اول ماده اول را به ترتیب ذیل پیشنهاد می نمایم:

تبصره اول - مستخدمین اداری راه آهن از بین مستخدمین رسمی دولت اعم از متصدیان شغل یا منتظرین خدمت وزارتخانهها انتخاب میشوند و راجع بمشاعل فنی

هرگاه مابین مستخدمین رسمی اشخاصی بفت شوند که از عهد خدمت انجمن مشاعل مزبور برآیند ممکن است مطابق قوانین موضوعه کنترات شوند

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - این دو قسمتی را که بنده پیشنهاد کرده ام بانظر کمیسیون هم مخالفتی ندارد ولی عبارتش بهتر است. یکی اینکه در قسمت اول نوشته اند: «در بین مستخدمین رسمی و منتظرین خدمت» منبومش این است که منتظرین خدمت جزء مستخدمین رسمی نیستند در صورتیکه کلیه مستخدمین که مشمول قانون استخدام میشوند مستخدم رسمی دولت محسوبند نهایت بعضی از مستخدمین منتظر خدمت هستند و بعضی دیگر متصدی شغل. این است که بنده پیشنهاد کرده مستخدمین رسمی دولت اعم از منتظرین خدمت یا متصدی شغل.

در قسمت فنی هم که نوشته شده است مستخدمین فنی مطابق ترتیب قوانین موضوعه کنترات خواهند شد. ما دیدیم که مورد سوء استفاده واقع شد این معنی که در تحت عنوان (فنی) تمام مشاعل را عنوان فنی قرار میدهند. مثلاً رئیس مالیه اردبیل که چهارده هزار تومان برداشت و قرار کرد آنهم در جزو متخصیص فنی محسوب شد. در صورتیکه بنده هر چه تحقیق کردم تخصصی در این کار نبود. (خنده نمایندگان) از این جهت بنده عرض میکنم که مابین مستخدمین رسمی اگر شخصی پیدا شوند که قعاً در مشاعل فنی متخصیص باشند مثلاً مابین مستخدمین يك مهندس یا يك طبیب عالی مقام باشد چه ضرر دارد که خود این شخص را بر این کار بگمارند و دیگری را برای این کار نیابورند و آن حدی که ممکن است اشخاصی را از بین مستخدمین دولت بیابورند و استخدام کنند اگر نشد آنوقت از خارج بیابورند. گرچه مسئله اداره راه آهن بقدری وسیع است که اینها کافی نخواهند بود و امیدواریم انشاء الله در مملکت ما بیکار خیلی کم شود منتهی اول باید اینها را

فعالان دولت هستند و بیایند سرکار و بعد از خارج استخدام کنند تا هر دو نظر تأمین و هر دو قسمت انجام شده باشد شیروانی - (مخبر کمیسیون بودجه) - گرچه در تبصره پیشنهادی کمیسیون نظریه ایشان تأمین شده ولی برای اینکه مسجل تر شده باشد بنده این پیشنهاد را قبول میکنم :

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - با اینکه آقای مخبر این پیشنهاد را قبول فرمودند ولی بنده بیک جهتی مخالفم و آن این است که ممکن است در بین منتظرین خدمت يك اشخاصی داشته باشیم که از عهده انجام مشاغل فنی فرضاً بر بیابند ولی برای دولت ضرر داشته باشد که او را بیاورد. مثلاً ممکن است يك مدير کلی را بیاورد برای این کار يك متخصص فنی را که ممکن است با چهل تومان کنترانش کرد بکنند. پیشنهاد آقای فهمی مجبور میکنند دولت را که این مدير کل را بیاورد. مفاد این پیشنهاد این است و این يك ضرری خواهد داشت برای دولت باین معنی که اگر يك کسی پیدا شد که حاضر بود يك کار تخصصی را با ماهی مثلاً سی تومان انجام دهد و مشمول قانون استخدام هم نبود بجای اینکه دولت او را استخدام کند مجبور خواهد بود که از بین منتظرین خدمت يك اشخاص رسمی که دارای مشاغل و رتبه های عالی هستند بیاورد و باینها حقوق زیاد بدهد. دلیل ندارد که ما این کار را بکنیم زیرا صرفه ندارد و از این جهت بنده با این قسمت مخالفم و گمان میکنم همان تبصره را که کمیسیون را در نظر گرفته کافی و بهتر است ما نباید این قدرها ناریک بین باشیم. يك جوانهایی از مدارس بیرون میآیند و يك معلومانی دارند و ما از آنها باید استفاده کنیم البته همان طوری که گفته شد يك عده منتظرین خدمتی داریم که باید در این موقع کار باینها داده شود و اینها مقدم بر اشخاص خارج باشند ولی بطور کلی نباید گفته شود که مثلاً رئیس اداره که رتبه هشت را دارد با معاون اداره که رتبه هفت را دارد آنها را دولت بگمارد برای کارهای سی و پنج تومانی و مبلغ زیادی حقوق

بدهد پس ما نباید این قید را بکنیم. مادر بودجه تلگراف بی سیم امتحان کردیم و دیدیم يك اشخاصی و مستخدمینی هستند که با ماهی بیست و پنج تومان و سی تومان استخدام شده اند - حالا ما باینهمه وقید کنیم که در تلگراف بی سیم حتماً باید از بین منتظرین خدمت پذیرفته شوند شاید آنها با ماهی چهل تومان قبول نکنند و مطابق رتبه خودشان حقوق بخواهند و این غلط و اسباب ضرر است که در صورتیکه ما می توانیم با ماهی سی و پنج تومان کسی را کنترات کنیم آنوقت يك حقوق زیادی بدهیم و از این جهت بنده مخالفم.

مخبر - نظر بنده در قبول این پیشنهاد این مسأله نبود که آقای یاسائی بنا کردند متخصص فنی راه آهن مهندسی است و گمان میکنم هیچ متخصص فنی دیگری برای این کار لازم باشد. متخصصین فنی راه آهن همان مهندس راه و متخصص مکانیک و بالاخره متخصص راجع فنون مختلفه میکانیکی و مهندسی است و غیر از این دیگر متخصص لازم ندارد. در اینصورت اگر اتفاقاً در بین وزارت خانهای مادونا، چهارتا، مهندس پیدا شد ما گفتیم او را بر دیگران ترجیح بدهند و از خارج کنترات نکنند. این يك چنین بدیهی است. مثلاً ما در ضرابخانه يك مهندس داریم که قطعاً اداره راه آهن خیلی از وجود او استفاده خواهد برد و اگر بخواهند يك مهندسی که معلومانش با معلومات این شخص مساوی باشد از خارج کنترات کند شاید با ماهی هفتصد هشتصد تومان هم حاضر با استخدام نباشد. در صورتیکه این شخص ممکن است با همین حقوق اداری که الان در ضرابخانه دارد با اداره راهن منتقل شود و این جا خدمت کند در هر حال نظر بنده این است که اگر مهندسی در بین وزارت خانها باشند اینها برای استخدام در اداره راه آهن حق اولویت دارند و البته مقصود ما چیز دیگری نبوده و نیست.

رئیس - تکلیف این تبصره در موقع رأی معلوم میشود. بالفعل چون پیشنهادهای زیادی شده و مقداری هم از ظهر گذشته و بعضی آقایان هم تشریف برده اند جلسه را ختم میکنیم. جلسه آتی روز پنجشنبه چهار ساعت قبل ظهر (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)